payamdaily.ir
تخستین روزنامه صبح البرز
پیام آشنا
شماره ۱۶۶۱
یکشنبه / ۱۲ مرداد / ۱۳۹۹
۱۲ / ذوالحجه / ۱۴۴۱
02 / August / 2020

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۲۴۳-۰۲۶ فکس ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۸۹۷۸۶۷۲۹-۰۲۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

غزل ۴۴۶ **امروز با حافظ**

حبیبا در غم سودای عشقت
توکلنا علی رب العباد
امن انکرتنی عن عشق سلمی
تزاول آن روی نهکو بوادی

خزانه

تدبیر کنم هر شب تا دل ز تو بر گیرم
چون روز برآرد سر، مهر تو ز سر گیرم

نظامی گنجوی

افق کرج **اوقات شرعی فردا**

| اذان صبح | طلوع آفتاب | اذان ظهر | غروب آفتاب | اذان مغرب |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| ۰۴:۳۹ | ۰۶:۱۷ | ۱۳:۱۴ | ۲۰:۱۰ | ۲۰:۲۸ |

برگه

بکوش که نسبت به مردم بدبین نشوی، زیرا که صاحب ســـوءظن را جز زحمت ابدی و کسالت روحی بهره‌ای نباشد.

سقراط

**خبر**

# ردپای بحران اقلیمی در سیلاب اخیر بنگلادش

کارشناســـان از ردپایی آثار و نشانه‌های بحران اقلیمی در وقوع سیلاب اخیر بنگلادش خبر دادند که موجب شده یک سوم از خشکی‌های این کشور به زیر آب فرو رود.

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از ایسنا، حدود یک سوم از خشـــکی‌های بنگلادش به دلیل وقوع سیلاب مهیب در هفته‌های اخیر به زیر آب فرو رفته و بحران اقلیمی در بروز این فاجعه نقش داشته است.

این سیلاب گسترده که زندگی میلیونها انسان را در این کشور تحت تاثیر قرار داده و به مرگ بیش از ۱۰۰ نفر منجر شـــده به دنبال وقوع طوفان مهیب "آمفـــان" در ماه مه بود که در بنگلادش رخ داد.

کارشناسان مرکز بین المللی توسعه و تغییرات اقلیمی در بنگلادش اظهار داشتند: در حوادث اخیر می‌توان ردپای تغییـــرات اقلیمی را در بزرگی و مقیاس این حوادث شاهد بود. به گفته محققـــان در واقع علت وقوع چنین حوادثی، تغییرات اقلیمیِ طبیعی نیست بلکه شـــدت قابل توجه آن به دلیل دخالت ما در سیستم آب و هوایی بوده است.

در ماه مه نیز در پـــی وقوع طوفان آمفان که مناطق ســـاحلی در بنـــگلادش را درنوردیده زندگی ۱۶۲ میلیون نفر تحت تاثیر قرار گرفت و در مناطقی از هند نیز گزارش شد. بر اثر این طوفان هم بیش از ۱۰۰ نفـــر جان خود را از دست دادند.

به‌نوشته روزنامه ایندیپندنت، مقامات بنگلادش اعلام کرده‌اند در سیلاب‌های اخیر ۱۲۹ نفر از مردم این کشور جان خود را از دست داده اند. بیش از ۱۰۰ نفر از مردم بنگلادش که بیشتر آنان کودک بودند به دلیل غرق شـــدگی فوت کرده و تعدادی نیز بر اثر بیماری‌های ناشی از آب جان خود را از دست داده‌اند.

**گزارش**

## درباره جایگاه کاریکاتور در روزگار کرونا

# کارتون‌های ایرانی امیدبخش پزشکان جهان

کارتون‌ها و کاریکاتورها سال‌هاست که در بحران‌های جهانی بیش از سایر هنرها مطرح می‌شوند و خیلی هم موفق عمل کرده‌اند. وقتی در ایران کرونا آمد و مردم قرنطینه شدند، کاریکاتوریست‌ها و انیماتورها هم دست به کار شدند. هنرآفرینی کردند بدون هیچ پشتوانه‌ای تا جایی که هنرشان جهانی شد.

در بین کاریکاتوریست‌های ایرانی گرچه خیلی از هنرمندان آثار پرمخاطبی داشـــتند، اما این بار آثار علیرضا پاکدل یکی از آثار پربازدید به روایت تعداد لایک‌ها در اینســـتاگرام شد. آثاری که به گفته او بیشتر در دنیا بازتاب داشت تا در ایران. به گفته این کاریکاتوریست او پیام‌هایی از پزشکان آن سوی مرزها داشته است و مورد تحسین واقع شده است.

سؤال اینجاست که چرا کاریکاتور و کارتون نسبت به سایر هنرها اینگونه رشد داشته است؟ و توانسته حرف بیشـــتری در دنیا بزنـــد و در مواجهه دنیا با ویروس کووید۱۹ ارتباط بیشتری با جامعه جهانی برقرار کند. از طرفی وقتی چنین حوزه‌ای ظرفیت بالایی برای رونق بخشی به‌کار هنرمندان ایران دارد، چرا هنوز در ایران اینگونه به آن بی‌مهری می‌شود در صورتی که کار هنرمندان ما مرزها را درنوردید!

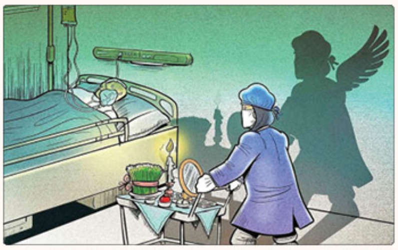

**کارتون و انیمیشن پاسخگوی نیازهای مردم است**

جمال رحمتی از جمله کاریکاتوریست‌های موفقی بود که انیمیشـــن هفت خان کرونایی را در همان روزهای اول قرنطینه ساخت و مخاطبان بسیاری آن را دیدند و دست‌به‌دست در فضای مجازی چرخید.

او در پاسخ به اینکه چرا کارتون و کاریکاتور بیشتر از آثار دیگر حوزه تجسمی در شرایط بحرانی موفق‌تر عمل کرده‌اند، بـــه «ایران» می‌گوید: «کارتون جزو ابزارهای رســـانه‌ای اســـت که در مطبوعات کاربرد دارد و طبیعتاً مخاطب را می‌شناســـد. دوم اینکه ذاتا یک ابزار رســـانه‌ای خبری است. یعنی همیشه در کنار مطبوعات بوده اســـت. برای همین وقتی مسأله‌ای خبری می‌شود، آن هم از این جنس و در سطح جهانی شاخک‌های همه را حساس می‌کند، طبیعتاً اینجا جایی است که کارتون و کاریکاتور باید وارد شود. از طرفی هم کارتون و کاریکاتور یک زبان بین‌المللی دارد و این زبان را همه می‌فهمند. و اصولاً بر خلاف نقاشـــی و رشته‌های دیگر تجسمی که با حس افراد ســـر و کار دارد، کارتون با قدرت تحلیل افراد سروکار دارد. یعنی به‌صورت واضح و مشخص در مورد مسأله‌ای حرف می‌زند. در نقاشی الزاماً اینگونه نیست. به‌طور عمده در نقاشی با حس سروکار داریم. اما اینجا مشخصاً صحبت کردن در مورد یک رویداد است. از طرفی هم در مواجهه با بحران یکسری نیازها پیدا می‌شود. مثلاً نیاز به اینکه کسی دلگرمی به شما بدهد و امیدوارت کند و در کنارت باشـــد و خیلی نیازهای دیگر. کارتون و در کنارش انیمیشن بخوبی می‌تواند به مردم پاسخ این نیازها را بدهد. خیلی از مشاغل با آمدن کرونا لطمات زیادی دیده‌اند. مثلاً اگر من دارای شغلی باشم که لطمه دیده است با دیدن این کاریکاتور به بخشی از احساس من جواب داده شده است و حس می‌کنم که حرف من جایی گفته شده و ممکن است مسئولی آن را ببیند. چون اینها جوابگوی این حس‌ها و نیازها است از آن استقبال می‌شـــود. از طرفی هم چیزی است که زمان بسیار کمی را از بیننده می‌گیرد و نیاز نیســـت که برای ارتبـــاط گرفتن با محتوای آن زمـــان زیادی صرف شود برای همین انسان دوره مدرن که زمان زیادی برای مطالعه ندارد به شکل طبیعی از آن استقبال می‌کند»

او در پاسخ به اینکه کارتون‌ها و کاریکاتورها چقدر می‌تواند در تنویر افکار عمومی نسبت به بحران هایی مثل کرونا تأثیرگذار باشد می‌گوید: «چون کارتون و کاریکاتور زمان کمی از مخاطب می‌گیرد امکان بسیار مناسبی است تا بتوان در افکار عمومی تأثیر گذاشت. منتهی موفقیت یا عدم موفقیت آن در این است که این کارتون کجا ارائه می‌شود؟ یعنی باید در جاهایی ارائه شـــود که مردم به شکل عادی به آنجا بیشتر مراجعه می‌کنند مثلاً در بیلبوردهای شهری که محل تردد مردم اســـت یا در فضای مجازی که مردم با آن سرو کار دارند بسیار مؤثر است. طبیعتاً ارائه کار هم خیلی مهم است. خود کارتون می‌تواند مؤثر باشد اما این تأثیر زمانی بیشتر می‌شود که برای محل ارائه آن درست فکر شود»

رحمتی در خصوص جایگاه کاریکاتور در ایران و در دنیا توضیـــح می‌دهد: «ایران در دنیا جایگاه و رتبه خوبی در کارتون و کاریکاتـــور دارد و اگر بخواهیم کاریکاتـــور و کارتون را بـــه دو بخش مطبوعاتی و غیرمطبوعاتی تقســـیم کنیم، ایران در بخش غیر مطبوعاتی موفق‌تر اســـت. و در بخش مطبوعاتی به‌دلیل اینکه مطبوعات رونق چندانی ندارد شـــاید بتوان آن را طبیعی دانســـت. به طور کلی همکاران من در این حرفه بسیار خوب عمل کرده‌اند. از جمله موفق ترین‌ها در این زمینه علیرضا پاکدل بود که کارهایش به شـــکل جهانی دیده شد و این نشان می‌دهد که ظرفیت ما در این حوزه بسیار بالاست و می‌تواند مخاطب جهانی پیدا کند. و ایران هم جایگاه خوبی دارد»

**این هنر در ایران با همه قابلیت‌هایش مظلوم است**

علیرضا پاکدل کاریکاتوریســـت جـــوان ایرانی که کارهایش در جهان دیده شده است، درباره جهانی شدن کارش به «ایران» می‌گوید: «تأثیر چشمگیر این کار در دنیا برای من هم شگفتی داشته است. من هم همزمان با کارتونیست‌های دیگر کارم را در ایام کرونا شروع کردم و حجم کارهایم را هر روز بیشتر کردم و یکدفعه متوجه شدم در ابعاد جهانی در فضای مجازی منتشر می‌شود. این برایم شگفتی آور بود چرا که کارهایم فقط در صفحه شـــخصی اینستاگرامم منتشر می‌شد و مربوط به جایی هم نبود.»

او در مورد این هنر و وجه تمایزش با ســـایر هنرها می‌گوید: «هنر کاریکاتور یکسری ویژگی‌هایی دارد که نسبت به هنرهای دیگر آن را متمایز می‌کند. ارتباط ســـریع همراه با چاشنی طنز چه فکاهی و چه تلخ کمک بزرگی در همه گیر شـــدن این رشته از هنر کرد. در مورد جهانی شدن کارتون و کاریکاتور کرونا چون این بیماری بین‌المللی بود انتشار آثارش هم بعد بین‌المللی دارد. وقتی کارهای من اینگونه وسیع دیده شده حس خوبی داشتم و باعث شد از نظرات مخاطبان داخلـــی و خارجی برای کارهای بعدی‌ام استفاده کنم.»

پاکدل با اشاره به اســـتقبال رسانه‌ها و سایت‌های خارجی از آثارش تصریح کرد: «آثارم در ســـایت‌ها و شـــبکه‌های تلویزیونی دنیا به نمایش درآمد در صورتی که هیچ سایت یا رســـانه‌ای در داخل ایران کارهایم را حمایت نکردند. حتی یک بیلبورد شهری به آن اختصاص ندادند. اما باز هم خدا را شـــکر که بخش ســـازمان نظام پزشـــکی و آتش‌نشانی از آن استقبال کردند. بسیاری از پرستاران و پزشکان در ســـطح جهان در مورد آثارم از تمام نقاط دنیا پیام دادند و ابراز خوشـــحالی کردنـــد که یک هنرمند، فداکاری کادر درمان و آتش‌نشانی و هلال احمر را اینگونه منتشر کرده است. صفحه اینستاگرام برای اولیـــن بار بود که من و دو نفر از هنرمندان ســـایر کشورها در حوزه تجسمی را معرفی کرد. اما در کشور ما دریغ از کمی اهمیت از ســـوی مدیران فرهنگی. و برای من دلســـردکننده بود با اینکه فرهنگ ایرانی اسلامی کشورم را در آثارم نمایش دادم و کارهای من و همکارانم همه خودجوش بوده است، اما نه بازخورد داخلی داشت و نه مورد توجه مسئولان فرهنگ و هنر قرار گرفت. این هنر با همه قابلیت‌هایش مظلوم است.»

**مریم سادات گوشه**

**بریده جراید**

## داریوش آشوری ۸۲ ساله می‌شود

**دنیای اقتصاد–** داریوش آشوری روز ۱۱ مرداد در سال ۱۳۱۷ در تهران به دنیا آمد. او اگرچه عمدتا با نام مترجم و زبان‌شناس معروف است، اما در حوزه‌های متنوعی درس خوانده و کار کرده است. آشوری در قلمرو علوم اجتماعی و فلسفه مدرن به توسعه زبان فارسی از نظر دامنه واژگان و بهبود سبک نگارش یاری فراوان کرده است. واژگان و اصطلاحاتی چون گفتمان، همه‌پرسی، آرمان‌شهر، رهیافت، هرزمَنگاری، درس‌گفتار و... از یادگارهای آشوری در زبان فارسی است. فرهنگ علوم انسانی او شامل صدها ترکیب و واژه اشتقاقی تازه برای گسترش زبانِ فارسی در زمینه علوم انسانی و فلسفه اســـت. از میان آثار او می‌توانِ به بازاندیشی زبان فارسی، شعر و اندیشه، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، و فرهنگ علوم انسانی اشاره کرد. «ما و مدرنیت» نام مجموعه مقاله‌هایی از اوست که در آن به تحلیل بحران فرهنگی جامعه ایران در مواجهه با مدرنیته می‌پردازد. وی نویسنده عرفان و رندی در شعر حافظ است که تفسیری هرمنوتیک از بنیادهای اندیشگی دیوان حافظ بر پایه پژوهش متن‌شناسانه تاریخی است.

جواد مجابی که ما او را با عنوان شاعر و منتقد ادبی و و منتقد هنرهای تجسمی می‌شناسیم، در دهه ۴۰ سر کلاس دکترای اقتصاد با داریوش آشوری همکلاس بوده و درباره او می‌گوید: «سال ۴۲ همکلاس بودیم با داریوش آشوری. استادی کمهایه و خودکامه، مطلبی در باب اقتصاد جهانی گفت که درست نبود. داریوش بلند شد و نظر مستدل خودش را بیان کرد که در مقایسه با حرف استاد پذیرفتنی‌تر بود. استاد که کنفت شـــده بود، گفت: اینجا کلاس من است و آنچه می‌گویم درست است. داریوش گفت: اینجا دوره دکترای اقتصاد است و شأن آن اقتضا می‌کند که گفت‌وگوی آزاد علمی داشـــته باشیم. استاد گفت: اینجا من حرف می‌زنم یا می‌نشینی و گوش می‌دهی یا نمی‌آیی. داریوش کتاب‌هایش را از روی میز جمع کرد و گفت: افتخاری ندارد جایی باشم که نشود در آن آزادانه حرف زد. جسورانه بلند شد و در کلاس را به‌هم کوبید و رفت و برای همیشه، قید آن دانشکده را زد. داریوش در زندگی فرهنگی‌اش ثابت کرده که تحمل سانسور عقایدش را ندارد. آزادی اندیشه و بیان برایش حیاتی است. در هر دوره‌ای از زندگی فرهنگی‌اش کتاب‌هایش یا به‌آسانی مجوز نگرفته یا خمیر شده است.

اما او نگذاشته ذهنش –خلاف بعضی از معاصران –مجوز بگیرد یا خمیر شود و دیگران این خمیر را شکل دهند. در آن سال‌های سیاست‌زدگی، تنها واکنش علمی نسبت به غرب‌زدگی آل‌احمد را آشوری مکتوب کرد با اینکه دوســـت آل‌احمد بود. شـــیفتگی دوران جوانی‌اش را نسبت به گفته‌های شبه‌فلسفی فردید–اگرچه با تاخیر –در همین سال‌ها اعتراف کرد و از این استاد و تفکر وی انتقاد کرد تا دیگران به چاه میان‌مایگی نیفتنـــد. امری که به هر دلیل درباره‌اش ســـکوت کرده بودیم. بهترین خاطرات من از آشوری عزیز که در جوانی به شوخی «حکیم قزوینی»‌اش می‌نامیدیم مربوط به دوران همکاری ما با مجله «جهان نو» و همسایگی نوشتاری در نشریات دهه چهل‌وپنجاه می‌شود. آنچه مرا شادمان داشته و یقینم را به ذهن اندیشه‌مند و منطق‌مدار آشوری بیشتر کرده است، خواندن کتاب «رندی حافظ» او و آموختنی دیگر از اوست. آشوری در این اثر، با روشی سنجیده، به محور اصلی اندیشه‌های فرهنگی حافظ راه برده و به‌درستی نشان داده است که حافظ در فضایی عرفانی، دائم به افسانه آفرینش آدم و رابطه عاشقانه خدا و انسان می‌اندیشیده است.»

## معرفی آنلاین برندگان جایزه ادبی هوگو ۲۰۲۰

**ایرنا–** برندگان جایزه ادبی «هوگو ۲۰۲۰» به دلیل شیوع کرونا در یک مراسم آنلاین معرفی شدند.

پایگاه اطلاع‌رسانی جوایز هوگو نوشت: هفتادوهشتمین مجمع علمی-تخیلی جهان امروز اول اوت برابر با ۱۱ مرداد ۹۹، اسامی برندگان جایزه «هوگو ۲۰۲۰» را اعلام کرد.

خاطره‌ای به نام امپراتوری (A Memory Called Empire) اثر آرکادی مارتین جایزه هوگو برای بهترین رمان سال را به دست آورد و داستان این‌طور جنگ زمان را از دست می‌دهی (This Is How You Lose the Time War) به قلم امل المحتار و مکس گلدستون برنده جایزه بهترین رمان کوتاه شد.

جایزه هوگو برای بهترین رمان بسیار کوتاه (ناولت) به پوست اضطراری (Emergency Skin) نوشته ان. کی جمیسین رسید و داستان به عنوان آخرین چیزی که ممکن است بدانم (As the Last I May Know) نوشـــته اس. ال. هوانگ جایزه بهترین داستان کوتاه را از آن خود کرد. جایزه هوگو برای بهترین مجموعه داستانی نیز برای مجموعه رمان‌های فضای گسترده (The Expanse) به جیمز اس. ای. کوری رسید

ان. کی. جمیسن نویسنده سیاه‌پوست آمریکایی امسال برای چهارمین بار موفق به دریافت جایزه ادبی هوگو شد و رکورد جدیدی را به نام خود ثبت کرد. وی در سال ۲۰۱۸ با کتاب آسمان رنگی برای بار سوم موفق به دریافت این جایزه ارزشمند شد و رکوردی تاریخی برجای گذاشت. تاکنون تنها یک نویســـنده موفق به دریافت دو جایزه هوگو به صورت پیاپی شده و جمیسین تنها نویسنده‌ای است که چهار جایزه هوگو را در کارنامه خود دارد.

جایزه هوگو قدیمی‌ترین و مهم‌ترین جوایز در زمینه داستان‌نویسی در ژانر علمی-تخیلی و فانتزی به شمار می‌رود که به افتخار هوگو گرنزبک (Hugo Gernsback) بنیان‌گذار نخســـتین مجله علمی-تخیلی جهان و یکی از پدران این ژانر به این اسم نام‌گذاری شده‌است. این جایزه از سال ۱۹۵۵ هر ساله توسط مجمع جهانی علمی-تخیلی وورلدکان (Worldcon) اعطا می‌شود.

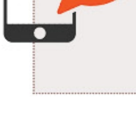


**از تمام خوانندگان پیام آشنا می خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان- در صورت تمایل- منتشر شود.**

**کافه پیام**

**برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید**

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

**دیدگاه**

## کلاغی بر بالای تلویزیون شما!

آنچه مسلم است در روزگار کرونا، انتقال اخبار، رویدادها و حوادث از اهمیت بیشتری برخوردار شده و در این میان نقش رسانه‌ها بسیار پررنگ‌تر و حیاتی‌تر از گذشـــته به‌نظر می‌رســـد. بویژه رسانه‌هایی همچـــون تلویزیون که از طیـــف وســـیع‌تر و توده‌ای‌تر مخاطبان برخوردار است. اجازه دهید مستقیم سر اصل مطلب برویم. به‌گفته اسپنس، ماهیت و جوهر رسانه، فریبکار و دروغگوست. پژوهشگرانی چون او، گریفیث ولی، پنج عنصر فریب را در ماهیت رسانه در تمام جهان معرفی کرده اند: دروغ، تعصبه پنهان ســـازی، فوق‌العاده‌ها و زیرنویس‌ها. رســـانه اطلاعاتی را تهیه می‌کند که مخالف یا بسیار متفاوت با حقیقت است (دروغ). بیانیه‌های غیر مستقیم و مبهم صادر می‌کند و آنها را در اختیار مخاطب خود قرار می‌دهد (تعصب). رسانه مبادرت به حذف اطلاعات مهم یا پنهان کردن آنها می‌کند (پنهان سازی). رسانه اطلاعات اشتباه یا حقیقت تحریف شده را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد و آنها را به‌سمت اطلاعات حاشیه‌ای و فرعی هدایت می‌کند (فوق العاده ها) و در نهایت، رسانه با به‌حداقل رساندن یا نادیده گرفتن جنبه‌های حقیقت در یک موضوع با مخاطب روبه‌رو می‌شود.

اما این پایان ماجرا نیست. شاید بتوان عنصر ششم فریب را در تلویزیون خودمان جســـتوجو کرد: تناقض! در این روزهای کرونایی، سیمای جمهوری اســـلامی در رابطه با این بیماری فراگیر، سرشار از تناقض شده است. در این میان بد نیست به دو نمونه آن اشاره کنیم. مدتی اســـت گویندگان و مجریان خبر در تمام شبکه‌ها از ماسک استفاده می‌کنند. واقعاً غرض از نمایش چنین تصویری چیست؟ آیا گوینده خبر می‌خواهد خود را از گزند بیماری حفظ کند؟ یا این، صرفاً نمایشی بیهوده بیش نیست؟ در حالی که یک مجری تنهای خبر با نزدیک‌ترین شـــخصی که ارتباط دارد، تصویربردار است که او هم چند متر با وی فاصله دارد. استودیو نیز یک فضای بسیار بزرگ با سقف بلند است که از بهترین شیوه تهویه هوا برخوردار است. از سوی دیگر نگاه کنیم به برنامه پربیننده دورهمی: مهران مدیری و میهمانش تا نزدیک‌ترین فاصله ممکن (بدون ماسک) با یکدیگر روبه‌رو می‌شوند. تقریبا هیچ‌یک از تماشاگران ماسک ندارند و فاصله آنها نیز بسیار کمتر از حتی یک متر است. این در حالی است که گاه قهقهه تماشاگران نیز برمی خیزد و آلودگی تنفسی را بیش از زمان تنفس عادی منتقل می‌کند. حالا زمان نتیجه‌گیری است! اگر این دو رویکرد را کنار هم بگذاریم، چیزی جز تناقض در رفتار و رویکرد رسانه نسبت به کرونا نصیبمان نمی‌شود. ایام محرم نزدیک است و باید منتظر تناقضات بیشتری از این دست در رسانه ملی باشیم. اگرچه بسیاری از متفکران مدرن و پسامدرن در تمام جهان، نقدهای تند و تیزی نسبت به تلویزیون و ماهیت آن نوشته و می‌نویسند، اما از تماشای آن –بویژه در میان توده‌ها– گریزی نیست. پس حداقل می‌توان به این فکر کرد که همواره کلاغی بالای جعبه جادویی شما نشسته و چشم در چشمتان دوخته است.

(برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به مقاله: مطالعه کیفی شیوه‌های فریبکاری رسانه و آثار آن در خانواده، نوشته فائزه تقی‌پور، فصلنامه علمی و ترویجی در حوزه اخلاق، سال هشتم، شماره ۳۱، پیاپی ۵۳، پاییز ۱۳۹۷، صفحات ۸۱ تا ۱۰۶).

**خبرچه**

## حدود یک سوم فرانسوی‌ها از پنجره خودرو زباله به بیرون پرتاب می‌کنند

طبق بررسی‌های صورت گرفته از سوی موسسه نظرسنجی و تحقیقات بازار ایپسوس (Ipsos)، درصد زیادی از فرانسوی‌ها با وجود جریمه‌های سنگین همچنان آشغال‌های خود را از پنجره خودرو به بیرون پرتاب می‌کنند

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از ایسنا، ته سیگار، کیسه‌های پلاســـتیکی، کاغذ، آدامس و قوطی، معمول‌ترین زباله‌هایی هستند که معمولا از پنجره خودرو به بیرون انداخته می‌شوند.

ایپسوس می‌گوید که ۳۰ درصد فرانسوی‌ها یا تقریبا از هر سه نفر، یک نفر زباله‌های خود را در مســـیر حرکت خود در زمان تعطیلات به بیـــرون خودرو پرتاب می‌کند. این گزارش تاکید می‌کند که هر روز ۲۵ تن زباله در امتداد بزرگراه‌های فرانســـه جمع‌آوری می‌شوند.

این نتایج پس از مصاحبه با ۲۱۶۰ نفر به دست آمده است و در حالیکه مسائل زیست محیطی این روزها به طور فزاینده‌ای راه خود را برای بحث و گفت‌وگوی عمومی پیدا کرده است اما به نظر می‌رسد برخی عادت‌های نامناسب همچنان پابرجاست.

این بررسی همچنین نشان می‌دهد که ۱۲ درصد سیگاری‌ها نیز آشغال سیگار خود را از پنجره خودرو به بیرون می‌اندازند که این رقم شامل بیش از یک سیگاری در بین سه سیگاری ارزیابی شده است. این موسسه تاکید می‌کند این عادت نامناسب می‌تواند باعث ایجاد آتش‌سوزی‌های بیشماری شود که هر ساله به این دلیل پدید می‌آید.

در خیابان‌ها نیز وضع بهتر نیست. طبق آخرین بررسی صورت گرفته، ۳۸ درصد فرانســـوی‌ها زباله‌های خود را در مکان‌های عمومی رها می‌کنند. این رقم در سال ۲۰۱۵ شامل ۲۷ درصد فرانسوی‌ها می‌شد. با توجه به اجباری شدن استفاده از ماسک در برخی از مکان‌ها، پنج درصد فرانسوی‌ها اعتراف می‌کنند یا ماســـک خود را گم کرده‌اند یا آن را روی زمین انداخته‌اند. این رقم در بین افراد زیر ۲۵ سال ۱۱ درصد است.

به گزارش یورونیوز، طبق قانون فرانسه، پرتاب زباله چه از طریق خودرو در بزرگراه‌ها، چه رها کردن آن در مکان‌های عمومی و خصوصی می‌تواند فرد را با جریمه‌ای تا ۱۵۰۰ یورو روبرو کند.